



نصف کتابها الیبتک و علیو هالبتک نعلیو الیبتک

کتابی که نیمی از علم فقه است

- * - موانع ارث
- * - قاتل عمدی از روی ظلم از مقتول ارث نمی برد
- * - قتل به حق مانع ارث نیست
- * - قتل خطائی نیز مانع ارث بردن نیست

همانطور که در مقاله قبل گفته شد یکی از مباحث مهم ارث، بحث از موانع ارث است و در این رابطه، چند موضوع به عنوان موانع ارث معرفی شده که مهمترین آنها

کفر و قتل است، در مقاله گذشته درباره مانع بودن کفر و اینکه کافر از مسلمان ارث نمی برد مشروحاً بحث شد و اینک درباره مانعیت قتل به این چند مطلب توجه کنیم:

□ الف- قاتل در صورتی که قتل را از روی عمد انجام داده و در این قتل نیز ظالم بوده باشد، یعنی مثلاً برای دفاع از خود، یا در راه اجرای حدی از حدود کیفری نبوده، از مقتول ارث نمی برد، و این مسأله به این صورت مورد اتفاق فقهای شیعه و سنی می باشد و منشأ این اتفاق، نظیر روایاتی است که: از حضرت رسول اکرم (ص) و عترت گرامیش (ع) رسیده است:

در سنن ابی داود و سنن دارمی و مسند احمد بن حنبل و سنن بیهقی، روایاتی مندرج است که مضمون آنها این است که قاتل از ارث محروم است.^۱

شیخ طوسی در خلاف از حضرت رسول اکرم (ص) نقل می کند که فرمودند:

زن از مال شوهر خود و شوهر از مال همسرش - مادامی که یکی از آنها قاتل دیگری نباشد - ارث می برد.^۲

صاحب وسائل نیز در کتاب ارث در باب «مانع بودن قتل عمدی از ارث در صورتی که از روی ظلم باشد» ۷ حدیث ذکر کرده است که دلالت آنها بسیار روشن است و از لحاظ سند، حدیث ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۷ صحیح می باشد، اما حدیث ۵ هر چند از جهت سند ضعیف است، زیرا در سند آن «قاسم بن محمد جوهری» که دارای مذهب واقفی^۳ و مجهول الحال است، قرار دارد و همچنین در سند آن «علی بن ابی حمزه بطائنی» که واقفی بوده و مورد وثوق نیست، واقع گردیده و در سند حدیث ۶ نیز «قاسم بن سلیمان» که مجهول الحال است، واقع شده است و لذا ضعیف است، ولی چون میزان حجت بودن یک حدیث آن است که موجب اطمینان باشد و این دو حدیث از آنجا که مورد عمل فقهای بزرگ اسلام است و آنها در مقام فتوی دادن به آن دو حدیث نیز اتکاء و اعتماد نموده اند، همین موضوع آنها را اطمینان بخش می سازد، لذا آن دو حدیث نیز مانند احادیث دیگر این باب حجت می باشند.

بنابر این در ثبوت این حکم تردیدی نیست.

۱- سنن ابی داود باب ۱۸ کتاب فرائض، سنن دارمی ج ۲ ص ۳۸۴، مسند احمد ج ۱ ص ۴۹، سنن بیهقی ج ۶ ص ۲۲۱.

۲- خلاف ج ۲ مسأله ۲۲ از کتاب ارث.

۳- واقفی ها کسانی هستند که حضرت امام موسی کاظم (ع) را آخرین امام می دانند.

البته حکمت این مطلب یعنی ممنوع بودن قاتل - از روی عمد و ظلم - از ارث، نیز روشن است زیرا اگر قتل عمدی مانع از ارث بردن نباشد چه بسا در موارد بسیاری، برخی از ورثه، مورث خود، مثلاً فرزند، پدر خود و یا شوهر، همسر خود و یا برادر، برادر خود را به طمع ارث بردن از مال او، می‌کشت، شارع اسلام برای اینکه جلو این چنین جنایت و خلافکاری‌ها را بگیرد، مقرر نموده است که قاتل عمدی و از روی ظلم، از ارث مقتول محروم و ممنوع باشد.

باید به این نکته نیز توجه کنیم: قتل عمدی که مانع ارث است، فرقی نمی‌کند که از روی مباشرت انجام بگیرد مثل اینکه قاتل شخصاً سر مقتول را از بدن جدا کند یا با زدن تیر و آلت دیگری او را بکشد یا اینکه این کار را به تسبیب انجام بدهد مثل اینکه او را جلسو درندگان بیندازد تا وی را بخورند یا اینکه او را مدتی طولانی - که منجر به کشته شدن او به جهت گرسنگی و تشنگی می‌گردد - زندانی کند یا اینکه غذای مسمومی را جلو او بگذارد و او هم نسداند که آن مسموم است و بخورد و بطور کلی در صورتی که این شخص علت قتل او باشد و کشته شدن او مستقیماً به او نسبت داده شود، از مقتول ارث نمی‌برد.

اما اگر این شخص کاری انجام داده است که معمولاً باعث کشته شدن نمی‌شود و کشته شدن به سبب آن، یک امر اتفاقی است که حیثاً صورت می‌گیرد، مثل اینکه چاهی بر سر راه کنده است و یکی از عابرین در آن چاه افتاده و مرده است این قبیل قتل‌ها نیز هر چند موجب ثبوت دیه می‌شود و این شخص باید خونبهای مقتول را بپردازد، ولی اگر مقتول یکی از بستگان او باشد، موجب محرومیت از ارث نمی‌شود، و بطور خلاصه میزان حکم آن است که قتل مقتول مستقیماً به آن قاتل نسبت داده شود و او در نظر مردم علت قتل محسوب شود.

□ ب- در صورتی که قتل عمدی بر اساس ظلم نباشد و قاتلی مقتول را در مقام دفاع از خود یا از روی قصاص یا در ضمن جهاد در راه خدا، یا برای اجرای حدود کیفری^۱ کشته باشد قاتل از مقتول ارث می‌برد و این قبیل کشتن‌ها چون در راه حق انجام

۱- اجرای قصاص و حدود به دست افرادی است که صلاحیت این کار را داشته باشند مثل مجتهد جامع الشرایط و یا فردی که از طرف مجتهد، مأمور این کار باشد و جهاد هم یا باید دفاعی باشد و یا به اجازه امام یا نایب او انجام گرفته باشد.

گرفته است مانع ارث بردن نیست.

این مسأله نزد فقهای شیعه مورد اتفاق است و حدیثی از حضرت صادق (ع) نقل شده است که از آن حضرت سؤال شد:

دو طائفه از مسلمانان با هم می‌جنگند یکی از آنها باغی است (یعنی: علیه امام و رهبری که اطاعت از آن لازم است قیام کرده است) و دیگری عادل است و در ضمن این چنین درگیری و جنگ، شخصی پدر یا فرزند یا برادر یا یکی دیگر از خویشاوندان خود را کشته است آیا در این صورت قاتل از مقتول ارث می‌برد؟ حضرتش فرمودند: بلی ارث می‌برد برای اینکه از روی حق کشته است.^۱

همانطور که ملاحظه می‌کنید از پاسخ حضرت استفاده می‌شود که بطور کلی قتل در صورتی که از روی حق باشد مانع ارث بردن نمی‌شود.

این مسأله هر چند همانطور که گفته شد از نظر فقهای شیعه ثابت و مورد اجماع است ولی در میان فقهای اهل تسنن - بطوری که فقیه بزرگوار شیخ طوسی نیز در کتاب خلاف ذکر کرده است -^۲ مورد اختلاف است.

ابوحنیفه می‌گوید: قتل هر چند به حق هم باشد، مانع ارث بردن است ولی احمد بن حنبل قتل از روی حق را مانع ارث بردن نمی‌داند.^۳

□ ج - فقهای امامیه نوعاً بر این مطلب اتفاق نظر دارند که میان قتل عمدی و قتل خطائی، فرق هست و قتل خطائی مثل قتل عمدی مانع ارث نیست.^۴ ولی در این موضوع بحث و اختلاف نظر دارند که آیا قاتل خطائی مانند غیر قاتل از تمام آنچه که متعلق به مقتول است ارث می‌برد (حتی از دینه مقتول که در صورت خطاء محض بودن، آن را عاقله^۵ قاتل و در صورتی که شبیه به عمد باشد آن را خود شخص قاتل باید بپردازد) یا اینکه از سایر اموال او ارث می‌برد و فقط از دینه مقتول ارث نمی‌برد؟

رساله جامع علوم انسانی

۱- وسائل ج ۱۷ ص ۳۹۷.

۲- کتاب خلاف ج ۲ مسأله ۲۲ از کتاب ارث.

۳- الفقه علی المذاهب الخمسة ص ۵۰۵.

۴- از کتاب مختلف الشیعة علامه حلی اصلی الله مقامه استفاده می‌شود که ابن ابی عمیر عثماني قتل خطائی را نیز موجب محرومیت از ارث می‌داند است و در جواهر ج ۳۹ ص ۳۷ این قول را از فضل بن شاذان و کلینی نیز نقل کرده است.

۵- عاقله، خویشاوندان و بستگان نزدیک شخص را گویند مانند برادران و عموهای او...

علامه حلی در کتاب مختلف الشیعة پس از آنکه ذکر می‌کند که در قتل عمدی در صورتی که از روی ظلم تحقق یافته باشد، قاتل از ارث محروم می‌باشد می‌گوید:
در مورد قتل خطائی چند قول وجود دارد:

الف- ابن ابی عقیل می‌گوید: قاتل خطائی نیز از ارث ممنوع است.
ب- شیخ مفید و شاگردش ستار می‌گویند: از جمیع اموال مقتول ارث می‌برد (این قول را محقق نیز در شرایع اختیار کرده است).

ج- شیخ طوسی و سید مرتضی و ابن ادریس و جمعی می‌گویند: فقط از دیه مقتول ارث نمی‌برد، و علامه می‌گوید: گفتار شیخ طوسی مورد اعتماد ما است.^۱
باید توجه داشت که طرفداران قول سوم در میان فقهاء متقدمین به اندازه‌ای فراوان بوده‌اند که سید مرتضی در کتاب انتصار می‌گوید:^۲

از مطالبی که گمان می‌رود تنها امامیه به آن قائل باشند، این است که قاتل خطائی فقط از دیه مقتول ارث نمی‌برد و از بقیه اموال او ارث می‌برد.^۳

تحقیق مطلب در اینجا پس از توجه به این موضوع که فلسفه‌ای که برای ممنوعیت قاتل عمدی از ارث ذکر گردید (شارع اسلام خواسته است به این وسیله جلو کشتن افراد به طمع ارث بردن از اموال را بگیرد) در قتل خطائی جاری نیست این است:

روایاتی که پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت معظمش صادر گردیده است دو دسته است:

- ۱- روایاتی که صاحب وسائل نیز آنها را در باب ۹ از ابواب موانع ارث ج ۱۷ ذکر کرده، دلالت دارند بر اینکه قاتل خطائی از ارث محروم و ممنوع نیست.^۴
- ۲- روایاتی که در باب ۸ ذکر نموده و دلالت دارند بر اینکه قاتل از دیه مقتول ارث نمی‌برد.^۵

رسال جامع علوم انسانی

۱- مختلف الشیعة کتاب ارث ص ۱۹۱.

۲- انتصار کتابی است که سید مرتضی آن را برای بازگو کردن مسائلی که فقهای امامیه در برابر فقهای اهل تسنن متفرد به آنها می‌باشند تألیف کرده است.

۳- کتاب انتصار ص ۳۰۷.

۴- وسائل الشیعة ص ۳۹۱.

۵- وسائل الشیعة ص ۳۹۰.

و جمع میان این دو دسته - که از لحاظ صناعت اصولی، دسته دوم مقید دسته اول می‌باشند - اقتضاء می‌کند که قاتل خطائی فقط از دیه مقتول نتواند ارث ببرد. این قول را همانطور که گفتیم بیشتر فقهای امامیه اختیار کرده‌اند و صاحب جواهر نیز می‌گوید این قول دارای قوت است.^۱

در سنن بیهقی ج ۶ ص ۲۲۱ و در کتاب خلاف در مسألة ۲۲ از کتاب ارث حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) نقل گردیده است که همین قول را تأیید می‌کند. نظریه فقهای امامیه به این شرح بود که ذکر گردید، اما فقهای اهل سنت در باب قتل خطائی انظار مختلفی دارند: در کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسة» می‌گوید: ائمة چهارگانه اهل سنت در قتل خطائی هر یک، رأی دارند: گفتار مالک با فقهای امامیه موافق است.^۲

شافعی می‌گوید: قتل خطائی مانند قتل عمدی مانع ارث بردن قاتل است. و همچنین قاتل اگر کودک و دیوانه هم باشد از مقتول ارث نمی‌برد. احمد می‌گوید: قتلی که موجب عقوبت است، هر چند عقوبت مالی هم باشد مانع ارث است و چون قاتل خطائی باید دیه بپردازد - و پرداخت دیه یک نوع عقوبت مالی است - لذا ارث نمی‌برد.

ابوحنیفه معتقد است که قتل خطائی نیز مانند قتل عمدی مانع ارث بردن است و اما مجنون و صغیر اگر قاتل هم باشند از ارث محروم نیستند و از مقتول ارث می‌برند.^۳

□ د - در مانع بودن قتل عمدی که از روی ظلم صورت بگیرد فرقی نیست که قاتل یک نفر باشد یا اینکه جمعی باشند، در هر دو صورت قتل عمدی به غیر حق، مانع از ارث است.

□ ه - قاتل هر چند خود به شرحی که گفته شد از ارث بردن ممنوع است ولی مانع ارث بردن کسانی که از او از جهت طبقه بندی متأخر می‌باشند نمی‌شود. یعنی: در ترتیب حکم ارث وجود قاتل مانند نبودن او است.

بقیه در صفحه ۵۱

۱ - جواهر ج ۳۹ ص ۳۸، مفتاح الکرامه ج ۱ ص ۴۱، مستند نراقی ج ۲ ص ۹۳ و در ریاض و مجمع الفائدة.

۲ - در کتاب بدایة المجتهد و نهاية المقتصد ج ۲ ص ۳۵۴ نیز این قول را از مالک نقل کرده است.

۳ - الفقه علی المذاهب الخمسة ص ۵۰۵.

۲- به فرض اینکه فرمان الهی به پیروی از فطرت تعلق گرفته باشد باز هم دلیل بر مدعا نیست زیرا فرمان، ارشادی است نه فوَلوی، مانند امر به اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، در این آیه کریمه: **اطيعوا الله واطيعوا الرسول آنجا که انسان در پرتو فطرت و عقل، اطاعت از خدا و پیامبر الهی یا اجرای عدالت و مانند آن را بر خود لازم می‌داند، اگر از طرف شارع امر و فرمانی صادر گردد، تنها به جهت توجه دادن به همان دستور عقلی و فطری است.**

۳- عقل و فطرت دارای یک دستگاه مستقل فرماندهی در عرض دستگاه فرماندهی الهی نیستند، زیرا در نظام آفرینش، مبدأ المبادی و غایت الغایات، ذات لایزال خداوندی است **انا لله وانا اليه راجعون**^۱، **هو الاول والاخر والظاهر والباطن**^۲، **ان الحكم الا لله**^۳ و به اصطلاح متکلمان، عقل، رسول و پیامبر باطن خداوند است، همانگونه که پیامبر، عقل ظاهر است و به فرموده امام کاظم (ع) خداوند دو حجت و دو رسول دارد یکی باطنی که عقل است و دیگری ظاهری که پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند.^۴

۱- سوره بقره آیه ۱۵۶.

۲- سوره حدید آیه ۳.

۳- سوره یوسف آیه ۴۰ و ۶۷.

۴- اصول کافی ج ۱، کتاب العقل والجهل، روایت ۱۲.

بقیه از صفحه ۳۱

بنا بر این اگر کسی که پدر خود را کشته است، فرزندی دارد و مقتول غیر از قاتل خود فرزند دیگری ندارد در این صورت فرزند قاتل از جده خود ارث می‌برد، و قاتل که فرزند مقتول است ارث نمی‌برد.
و اگر مقتول فرزندی غیر از قاتل ندارد و فرزند فرزند نیز ندارد ولی مثلاً یک یا چند برادر دارد فرزند او در عین اینکه از طبقه اول ارث است چون قاتل است، ارث نمی‌برد، ولی برادر مقتول که از طبقه دوم ارث است، ارث می‌برد...